

آرزو - صفحه ۱۲۶

#تاریخ ادبیات:

ملک الشعراء بهار: صفحه ۱۵۶ / اقبال لاهوری: صفحه ۱۲۵ (آخرین شاعر بزرگ فارسی زبان هند) / ویکتور هوگو: صفحه ۱۶۲

#معنای لغات:

صفحه ۱۱۹: عهد: رسم / عزت و سربلندی / نیاکان: اجداد، گذشتگان

صفحه ۱۲۵: چراغ لاله: چراغی بلوری به شکل لاله / عجم: غیر عرب، در اینجا به معنی ایرانی

صفحه ۱۲۶: پیش: قبل / عشق بورزی: علاقه‌ی بسیار داشته باشی / نیکان: انسان‌های خوب و صالح / نیکویی: خوبی / نادوست: غیر قابل اعتماد، دوستان بد ≠ دوست‌دار: دوست واقعی و قابل اعتماد / دست کم: حداقل / باور: اعتقاد قلبی / اعتراض: مخالفت / به حق: درست / زیاده: بیش از حد / غره: مغرور، متکبر / به رایگان: بدون زحمت، مجانی / بیفشانی: بکاری / خرد: کوچک و ناچیز / روییدن: رشد کردن / دریایی: متوجه شوی / ارباب: صاحب، سرور / همواره، همیشه / آزرده: رنجیده، اندوهگین / شادمان: خوشحال / شکوفا: شاداب، تازه

#معنای شعر:

فصل آزاد؛ صفحه ۱۱۹:

بیت اول: آگاه باش که ایران با احترام و عزت بسیار به تو پیام می‌دهد.

بیت دوم: وقتی باد خوش صبحگاهی بر سرزمین ما (ایران) بوزد از خاک کوی پدران ما، به تو سلام و درود می‌رساند.

فصل ششم؛ صفحه ۱۲۵:

بیت اول: ای جوانان ایرانی! وجود مرا مانند وجود خودتان بدانید؛ زیرا مانند چراغی درخشان در باغ و بستان شما سوخته‌ام.

بیت دوم: ای انسان‌های خاکی به دور من جمع شوید و توجه کنید؛ زیرا، من فرهنگ و اخلاق اجداد شما را در درونم حفظ کرده‌ام.

#آرایه‌ها:

شعر فصل آزاد: ایران تو را پیام دهد ← جان بخشی / نسیم سلام می‌دهد ← جان بخشی / خاک ← مجاز از قبر، مزار

شعر ابتدای فصل ششم: چون چراغ لاله ← تشبیه / خیابان ← مجاز از محل زندگی / مصراع دوم بیت اول واج آرایی «ج» / آب و گل ← مجاز از جسم خاکی انسان / حلقه زدن گرد چیزی ← کنایه از توجه و تمرکز / آتش ← استعاره از عشق و فرهنگ و آداب / سینه ← مجاز از تمام وجود

درس ۱۶: به تو روی بیاورند ← کنایه از نصیبت شوند / نادوست و دوست دار ← تضاد / کم و زیاد ← تضاد / کوچک و بزرگ ← تضاد / دانه ← مجاز از درخت / پول مانند ارباب بدی است ← تشبیه / پول مانند خدمتگزار ← تشبیه / یک‌دل ← کنایه از صمیمی و همدل / فردا و پس فردا ← مجاز از آینده

#نکات دستوری:

صفحه ۱۱۹: تو را پیام دهد = به تو پیام دهد ← را ← حرف اضافه

#خود_ارزیابی:

۱- تا گاهی باورهایت را مورد پرسش قرار دهند، که حداقل اعتراض یکی از آن‌ها به حق باشد، تا بیش از حد به خودت مغرور نشوی. (صفحه ۱۲۶، سه خط پایانی)

۲- چون اگر اختیار انسان را در دست بگیرد، انسان را به انجام هرکاری برای بیشتر شدن به هر قیمتی دستور می‌دهد.